

وقتی ازدواج خطرناک می‌شود!



همه افرادی که مخاطب این مطلب هستند، تاکنون تجربه خرید چیزی را در زندگی داشته‌اند. وقتی آدم‌ها قرار است با خرید وسیله‌ای خاص بخشی از نیازهای زندگی خود را تامین کنند، ابتدا برای یافتن جنس و مدل دلخواه خود جستجو می‌کنند.

مدتی بعد از میان اجناس موجود آنچه را که به سلیقه و قدرت خرید آنها نزدیک است انتخاب می‌کنند و سپس با فروشنده وارد مذاکره می‌شوند و در نهایت پس از چانه‌زنی با پرداخت قیمت آن جنس، وسیله موردنظر را می‌خرند و از آن استفاده می‌کنند.

اگر جنس خریداری شده ارزش و اهمیت خاصی داشته باشد، به دست آوردن آن منوط به این است که مراحل خرید و فروش در داخل یک سند رسمی ثبت شود. موتورسیکلت، خانه، خودرو... مشمول چنین وضعیتی است. البته درباره برخی کالاهای دیگر، فروشنده به خریدار ضمانت‌نامه و نیز کارت خدمات پس از فروش هم می‌دهد تا خیال او را بابت کیفیت جنس خریداری شده راحت کند.

چنین روایی هنگام ازدواج نیز به شکل بسیار دقیقی رعایت می‌شود. جستجو برای یافتن همسر مناسب، انتخاب فرد مناسب، خواستگاری، چانه زدن بر سر مهریه و جهیزیه، توافق بر سر محل سکونت آینده، برگزاری مراسم عروسی و در نهایت ثبت ازدواج در یک سند 24 برگی به علاوه ده‌ها امضا در دفتر ثبت، مراحل مختلفی است که همسران برای رسیدن به یکدیگر طی کرده و خواهند کرد.

در این میان، مهریه نیز حکم ضمانت‌نامه‌ای را دارد که مرد به همسر خود ارائه می‌کند و مجموع تعهداتی که قانون برای هر دو طرف تعیین کرده، حکم خدمات پس از فروش را دارد. این مراحل از سوی افرادی که در مرحله ازدواج قرار دارند، کمابیش به شکل مشابه طی می‌شود.

در نگاهی دیگر، ازدواج مانند معامله‌ای است که در آن مانند هر معامله دیگر امکان سود و زیان وجود دارد و حتی‌الامکان کلاهبرداری هم هست. البته این که در هر معامله‌ای سود و زیان تا چه اندازه منطقی باشد، مساله‌ای است که هر فردی خود قادر به درک آن است، اما برخی رفتارها که از آن تعبیر به مخ‌زنی، دزدیدن قاپ طرف مقابل و موارد مشابه می‌شود، تفاوتی با کلاهبرداری ندارد و مانند هر کلاهبرداری دیگری دیر یا زود به شکست می‌انجامد.

وقتی ازدواج خطرناک می‌شود

یکی از دوستان تعبیر جالبی درباره ازدواج به کار می‌برد. او می‌گوید، ازدواج امروز به بزرگ‌ترین ریسک زندگی دختران و پسران تبدیل شده است. بعید است کسی با این حرف مخالفتی داشته باشد. پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه خصوصاً جوامع شهری سبب شده تا بسیاری از افرادی که در آستانه ازدواج هستند، در رفتارها و ارتباط‌های اولیه چهره واقعی خود را نشان ندهند.

ازدواج برخلاف تصور بسیاری از جوانان صرفاً یک تصمیم عاطفی نیست که مثلاً بتوان زندگی را بر مبنای آن آغاز کرد و تا به آخر نیز عاشق ماند. کافی است کمی در جزئیات این مساله دقیق شوید تا به این نتیجه یا نتیجه مشابه برسید که تصمیم‌گیری درست درباره ازدواج، رفتاری کاملاً مهندسی و حساب‌گرانه را می‌طلبد تا همسران در طول زندگی مشترک، با ته کشیدن، انداختن عشقه، به دست‌زدگی، ناسند، منظور از رفتار مهندسی و حساب‌گرانه در این مطالب به هیچ وجه داشتن نگاهی منفعت‌طلبانه نیست بلکه بیشتر بر یک شناخت دقیق از طرف مقابل شکل می‌گیرد. تجربه نشان داده هر چه این شناخت قوی‌تر و دقیق‌تر باشد، رابطه موسوم به ازدواج به سرنوشت بهتری خواهد رسید.

آنچه امروز در جامعه ما در زیر عنوان « ازدواج » در حال انجام است، ترکیبی از قوانین مذهبی، عرفی و قانونی است. طبیعی است که این ترکیب چندان کامل نیست و به همین دلیل سبب بروز مشکلات مختلف می‌شود. بیشتر آدم‌ها در زمان ازدواج دچار مصلحت‌اندیشی می‌شوند و به جای یافتن پاسخ‌های منطقی برای پرسش‌هایی که ذهن آنها را درگیر کرده، به صرف دریافت تضمین به درد نخوری مانند مهریه، همه چیز را به « آینده » موکول می‌کنند.

مثلاً در شرایطی که طبق روایات مذهبی و نیز فتوای صریح برخی مراجع، اگر مهریه مبلغی تعیین شود که مرد قصد یا توانایی پرداخت آن را نداشته باشد، این مهریه باطل است و حتی در برخی روایت‌ها اشاره شده که اگر مردی مبلغی را مهر همسرش کند که قصد پرداخت مهریه را به همسرش نداشته باشد، رابطه او با همسرش در حد یک رابطه غیراخلاقی است، بسیاری همچنان بر تعیین مهریه‌های سنگین تاکید می‌کنند و از این نکته غافل هستند که این مال حلال‌تر از شیر مادر، به سختی قابل دریافت است.

از سوی دیگر هنگام خواستگاری، اغلب مردان پول دار و ثروتمند هستند، اما در زمانی که قرار است مهریه را بپردازند، به هزار شیوه و روش متوسل می‌شوند تا مقدار کمتری از این پول را بپردازند.

اگر مردی مبلغی را مهر همسرش کند که قصد پرداخت مهریه را به همسرش نداشته باشد، رابطه او با همسرش در حد یک رابطه غیراخلاقی است.

تشابه تحصیلاتی، شغلی و حتی جسمی نیز از دیگر مواردی است که بهتر است همسران هنگام **انتخاب شریک خود** به آن توجه کنند. به این نکته توجه کنید که در ابتدای زندگی، ممکن است کمبودهای زیادی وجود داشته باشد. خودرو، خانه، تفریح گران‌قیمت، مسافرت و... چیزهایی است که هر کدام پس از آن که در مرحله‌ای از زندگی برطرف شد، نیاز دیگری جایگزین آن می‌شود.

البته برطرف شدن هر یک از این نیازها نیز به معنای رفع آن نیاز نیست، بلکه در اغلب موارد به معنی جایگزین شدن نیازی تازه است. ضمن آن که پس از یک رفاه نسبی باید چیزی به نام « همسران » در کنار هم حضور داشته باشند تا از این امکانات فراهم آمده استفاده شود.

مادیات تمام زندگی نیست ولی برای داشتن یک زندگی آرام حداقل‌هایی لازم است. اما امروزه شاهد هر روز پررنگ‌تر شدن ظواهر مادی در ازدواج‌ها و زندگی‌ها هستیم که خود بزرگ‌ترین عامل از بین رفتن آرامش در زندگی است.

تعریف درست روابط میان همسران

یکی از مهم‌ترین نکات قابل توجه قبل از ازدواج، « تعریف درست سطح روابط میان همسران » است. به عبارت ساده‌تر این نکته مهم است که رابطه بین زن و مرد چگونه و در چه سطحی تعریف شود؟

مدتی پیش، در صفحه حوادث برخی روزنامه‌ها خبری درج شده بود که خواندن آن چیزی جز ناسف نصیب مخاطب نمی‌کرد. خبر از این قرار بود که مردی به جرم برداشتن لحاف و

تشك همسرش و خارج کردن آن از خانه از آنجا که جهیزیه متعلق به زن بوده زن از همسرش به جرم دزدی شکایت کرده بود. چنین مسائلی نشان می‌دهد که این‌گونه همسران از ابتدای زندگی تعریف درستی از روابط، اختیارات، وظایف و امتیازهای خود نداشته‌اند.

باید به این نکته توجه داشت که مشکل در حقوق قانونی این همسران نیست، بلکه مشکل در تعریف این حقوق است که همسران خود تمایلی به تعریف دقیق آن ندارند. رابطه میان همسران گاهی در حد یک مساله کاملاً عادی تعریف می‌شود که در آن زن چیزی جز یک سایه بالاسر نمی‌خواهد و در قبال ارائه خدماتی به مرد، از او پول و امکانات دریافت می‌کند.

در چنین رابطه‌ای نباید توقع چندانی از دو طرف داشت، اما گاهی اساس این رابطه به گونه‌ای است که طرفین در طول زندگی قرار است در خوشی‌ها و غم‌ها شریک هم باشند و بر این مبنا مشکلات و راحتی‌های زندگی را میان خود تقسیم می‌کنند. طبیعی است که هرچه توقع دو طرف از هم بیشتر باشد، نیاز به تعریف دقیق و درست از روابط همسران بیشتر است.

بعد از آغاز زندگی مشترک، روابط آزادانه سابق معنی ندارد. ازدواج، امکانات و مزایایی را برای دو طرف به وجود می‌آورد که ممکن است حتی در دوستی‌های بسیار قدیمی هم ایجاد نشود. برخی چیزها در یک رابطه دوستانه ممکن است لطف باشد، اما در ازدواج تبدیل به وظیفه می‌شود.

آنچه شرایط جدید را برای همسران پیچیده می‌کند، این است که آنها با شرایط جدیدی روبه‌رو می‌شوند که تا پیش از آن در روابط دوستانه یا خانواده خود با آن مواجه نشده‌اند. این شرایط تازه هم این گونه است که طرفین می‌توانند برای اعمال نظر خود متوسل به قانون شوند و قانون نیز در صورت حرکت در مسیر درست از آنها حمایت می‌کند.

نکته قابل تامل در این زمینه این است که اغلب زوج‌های جوان در اولین برخورد می‌خواهند شمشیر تیز خود را بالا برده، بر فرق حریف وارد کنند و اصطلاحاً در اولین برخورد گربه را دم حمله بکشند. این هنگامی که زن به شرف بعد از ازدواج به حق، می‌رسد که وظیفه آنما در قبال آن، می‌مماند است، منتهی؛ نه؛ مشکلات فاحش، است باید به زوج‌ها آگاهی داد که اگر با ازدواج صاحب حقی می‌شوند، متضمن انجام وظیفه‌ای هم در مقابل همسر خود هستند.

مثلاً زن می‌تواند تا مهریه به او داده نشده، به وظایف زناشویی خود عمل نکند. مرد هم می‌تواند مانع از ادامه تحصیل و حتی کار زن شود و در اغلب موارد چنین حقی برای فردی که احساس می‌کند به او دروغ گفته شده، لذتبخش هم هست.

به این صورت زندگی صحنه‌ی جنگ دو طرف می‌شود هرروز یکی می‌تواند برعلیه دیگری اقدام کند و در این صورت عاقبت کار معلوم است.

شاید بد نباشد همسران پیش از تشکیل زندگی مشترک سری به دادگاه بزنند و حضور در چنین محیطی را تجربه کنند و حتی با چند نفر که به دلیل همین مشکلات به دادگاه آمده‌اند هم‌کلام شوند زیرا نسخه‌های تلخ زندگی افراد در چنین محیط‌هایی می‌تواند واکسن مناسبی برای سلامت زندگی آینده آن‌ها باشد.

منبع: تبیان